

## جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای و مبانی فقهی آن

- سیده فاطمه طباطبائی\*  
کرمان، کرمان، ایران
- عبدالرضا محمدحسین زاده  
کرمان، کرمان، ایران
- سحر اکبرپور فرسنگی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

### چکیده

تحریر واقعت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی یکی از ابزارهای دشمن برای القاء ناکارآمدی و شکست نظام در اهداف است. در این راستا آیت الله خامنه‌ای در جایگاه فقاهت و رهبری به عنوان احیاء کننده مفهوم جهاد تبیین، بر روش‌نگری واقعت‌ها جهت بی اثر نمودن این ابزار، تأکید ویژه داشته‌اند. بنابراین عنایت به پشتوانه شرعی جهاد تبیین در بسط و اجرای آن ضروری می‌نماید (مسأله)؛ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استقرایی و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تخریب و تبیین ماهیت و مبانی فقهی جهاد تبیین پرداخته است (روش)؛ نتایج حاکی بر آن است که جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای بر تلاش روشنگرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام اطلاق می‌شود. به جهت اهمیت ویژه آن در عصر کنونی واجب عینی است که نسبت به افراد و موارد، مختلف خواهد بود. این فریضه، قطعی و فوری و در حد توان به صورت تدافعی و تهاجمی به انجام می‌رسد. مبانی فقهی و وجوب جهاد تبیین مبتنی بر آیات، روایات و قواعد فقهی نظیر قاعده وجوب ارشاد جاهل، وجوب حفظ نظام، مصلحت نظام، وجوب تعاون بر نیکویی و دعوت است (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: جهاد، تبیین، آیات، روایات، قواعد فقهی، آیت الله خامنه‌ای

دریافت: ۱۴۰۲-۰۳-۰۵

\* نویسنده مسئول fatatabaee@uk.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۷-۱۰

صفحات مقاله: ۱۶۹-۱۴۴

دشمنان اسلام در دوره کنونی، جهت تسلط بر جامعه اسلامی به هر روش و ابزاری متمسک می‌شوند. یکی از این روش‌ها، تحریف و ایجاد ابهام در واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی جامعه اسلامی است. دشمن با تکیه به قدرت نرم، به تدریج و بدون خودآگاهی مخاطب، دست به تحریف ملاکهای محبتی و برائتی مسلمین زده و با استفاده از همین مکانیزم در صدد مهار بیداری اسلامی در این جوامع می‌باشد، تا در صورت عدم موفقیت در استحاله این حرکت، این جوشش شکل گرفته را به انحراف وا دارد (رحمانی تیرکلایی، ۱۴۰۱: ۷). در مقابل این دسیسه‌ها، انقلاب اسلامی با تکیه بر حکمرانی فرهنگی به ویژه ارزشهایی نظیر آموزه‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ مقاومت و شهادت، معنویت و ولایت فقیه توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و اقتدار فرهنگی و نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصف ظهور رساند (آرایی، ۱۴۰۱: ۱۲۷). در این راستا آیت الله خامنه‌ای در جایگاه رهبری و ولایت فقیه و همچنین به عنوان احیاء کننده مفهوم جهاد تبیین به وفور آحاد ملت را به روشنگری سفارش نموده‌اند و بر این باورند که امروزه دشمن با ابزار رسانه دائماً با ترویج دروغ و تزئین حرف‌های بی‌منا به منظور کاهش ایمان و اعتماد به نفس عمومی، ملت را به وادی یأس و ناامیدی سوق می‌دهد (حسینی خامنه، ۱۹/۱۲/۱۴۰۰) و از این طریق با از بین بردن یکپارچگی مردم، زمینه تسلط بر آنها را فراهم می‌نماید. از این رو در چنین شرایطی ضروری است با تبیین ماهیت و تخریب مبانی فقهی جهاد تبیین در تنویر اذهان عمومی مساعدت و معاضدت شود. بنابراین تحقیق پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استقرایی به تحلیل داده‌های این پژوهش که بیانات مقام معظم رهبری است می‌پردازد تا ماهیت جهاد تبیین، فهم شود و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مبانی فقهی جهاد تبیین تخریب و استنباط گردد تا با تکیه بر پشتوانه شرعی آن در بسط و اجرای جهاد تبیین، قدمی مؤثر برداشته شود. این تحقیق در پی پاسخگویی به سؤالات ذیل می‌باشد:

الف\_ ماهیت جهاد تبیین در مبانی اسلامی چیست؟

ب\_ مبانی فقهی جهاد تبیین چیست؟

### پیشینه تحقیق

با تتبع در آثار موجود پیرامون جهاد تبیین می‌توان به تحقیقات ذیل اشاره نمود:

«کریمی، بخشی» (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن» با استناد به دیدگاه مفسران، جهاد کبیر را مورد پژوهش قرار داده است. «صلح می‌زایی» (۱۴۰۰) در کتاب «جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای» به کلیات بحث از جمله جهاد و جهاد تبیین و الزامات آن پرداخته است. «نجم آبادی» (۱۴۰۱) در مقاله «الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت» موانع اخلاقی و الزامات جهاد تبیین را بر شمرده است. «حیائی، حیائی» (۱۴۰۱) در مقاله «گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای مفهوم و ابعاد جهاد و دفاع را در اندیشه معظم له تبیین کرده و توسعه مفهومی جهاد را اثبات نموده است. با عنایت به پیشینه نظری تحقیق می‌توان ادعا نمود که تاکنون جهاد تبیین از منظر فقهی مورد پژوهش واقع نشده است و همچنین پیرامون تبیین و تخریح مبانی فقهی جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای مقاله‌ای یافت نشده است و پژوهش پیش رو از این حیث متمایز و دارای نوآوری است.

#### ۱- چهارچوب مفهومی جهاد تبیین در مبانی اسلامی

روشنگری و بیان حقایق در عصری که دشمن با جنگ نرم و ایجاد ابهام در اذهان و تحریف واقعیت و حقایق به مبارزه برخاسته است، تحت عنوان جهاد تبیین مطرح می‌شود.

##### ۱-۱ ماهیت جهاد تبیین

جهاد در لغت از ریشه جهد و جهد به معنی مشقت و زحمت و همچنین به معنی توان و طاقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۰۱). اصطلاح جهاد در ادبیات اسلامی، بر بذل جان و مال و توان در راه اعلائی اسلام و بر پاداشتن شعائر دین اطلاق می‌شود (نجفی جوهری، ۱۳۶۲ ش: ۲۱ / ۳). لفظ مطلق «جهاد» به معنای کوشش است که هر نوع تلاش در راه خدا را شامل می‌شود، از قبیل جهاد نظامی و مبارزه با دشمنان اسلام، جهاد فرهنگی و تلاش در راه اعتلای علمی و فرهنگی مسلمانان، جهاد با نفس و مبارزه با هوس‌های سرکش درون، جهاد سازندگی و تلاش در راه پیشرفت‌های فنی و ساختن زندگی بهتر برای مسلمانان و امدادهای مادی به آنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۱۶ / ۱۱۳). آیت الله خامنه‌ای جهاد را تلاشی در برابر یک چالش خصمانه‌ای، که از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد، تعریف می‌نماید (حسینی خامنه، ۱۳۹۳/۴/۱۱). در جایی که دشمن انسان را غافل و فکر او را منحرف می‌سازد، هر کس که در راه روشنگری فکر مردم، تلاش کند و از انحراف جلوگیری نماید از آن‌رو که در مقابله با دشمن است، این تلاش

فرد جهاد نامیده می‌شود (حسینی خامنه، ۱۳۷۵/۳/۲۰). مهم‌ترین ویژگی جهاد در اصطلاح فقهی تقابل با دشمن است؛ در واقع نهایت جهاد و تلاشی که در مقابله با دشمن در مسیر فی سبیل الله تحقق پذیرد جهاد محسوب می‌شود.

واژه تبیین از ماده بین که گاهی به معنای قطع و جدایی و گاهی نیز به معنای آشکار سازی و انضاح آمده است (جوهری، ۱۴۰۷/۵: ۲۰۸۳). بنابراین جهاد تبیین به تلاش و بذل روشنگرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام اطلاق می‌شود.

### ۱-۲ جایگاه جهاد تبیین

آیت الله خامنه‌ای جهاد را به جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، مالی و فنی تقسیم می‌نماید (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۲/۲۹). مستفاد از نامه ۴۷ نهج البلاغه جهاد به اقسام ذیل منقسم می‌شود: *وَاللّٰهُ اَللّٰهُ فِی الْجِهَادِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ وَاَلْسِنَتِكُمْ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ*. جهاد مالی *(بِاَمْوَالِكُمْ)*، جهاد جانی، جهاد با جان و بخشش نفس در راه خدا *(اَنْفُسِكُمْ)* و قسم سوم جهاد تبلیغی، جهاد با لسان و مبارزه فرهنگی است که باید در راه خدا انجام گیرد *(اَلْسِنَتِكُمْ)*. با توجه به این تقسیم بندی جهاد تبیین از مصادیق جهاد با لسان محسوب می‌شود.

در قرآن کریم نیز با عنایت به هدف از جهاد می‌توان جهاد را به دو قسم کلی منقسم نمود. قرآن کریم گاهی جهاد را دفاع در مقابل حمله دشمنان دانسته است: *وَقَاتِلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ الَّذِیْنَ یَقَاتِلُوْكُمْ وَاَنْتُمْ لَآ یَحِبُّوْنَ الْمُعْتَدِیْنَ*: و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد (بقره / ۱۹۰). مستفاد از آیه این است که قتال در اسلام جنبه دفاعی دارد، اسلام با قتال با کفار از حق قانونی انسان‌ها دفاع کرده، حتی که هر فطرت سلیمی آن را برای انسانیت قائل است (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲ / ۶۱). هدف از جهاد اسلامی پیروزی دین خدا، یعنی اجرای دستورات او و جلب خشنودی پروردگار و برقرار کردن عدالت اجتماعی و نیز مبارزه با فتنه‌گری، ستمکاری، گمراهی، شرک و بت پرستی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ش: ۲ / ۱۲۹). گاهی هدف از جهاد را حفظ پایگاه توحیدی می‌داند: *الَّذِیْنَ اٰخْرَجُوْا مِنْ دِیَارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ یَّقُوْلُوْا رَبَّنَا اللّٰهُ وَاَلُوْا دَفَعَ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِیْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ یَذْکُرُ فِیْهَا اَسْمُ اللّٰهِ کَثِیْرًا وَاَلِیْنُصْرُ اللّٰهُ مِنْ یَنْصُرُهٗ اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِیْ عَزِیْزٌ*، آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هاشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و)

ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است (حج/ ۴۰). در این آیه تشریح قتال به منظور حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین، بوده است. آن دشمنانی که قصد دارند نور خدا را خاموش نمایند. مراد از دفع مردم به دست یکدیگر، اعم از مساله جهاد است (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۱۴/ ۳۸۵). با اقامه جهاد تبیین، حفظ پایگاه توحیدی که هدف قرآن از جهاد است، قطعاً محقق می‌شود. شیخ طوسی در تعریف جهاد با نفس می‌فرماید: جهاد با نفس آن است که با عمل به امری، نفس را در معرض آنچه برایش دشوار است، قرار دهد (شیخ طوسی، بی تا: ۲۶۹/۵). لذا جهاد تبیین از این حیث نیز می‌تواند در ذیل جهاد با نفس قرار گیرد؛ زیرا جهاد تبیین، جهد و کوششی روشنگرانه و گاه عمل به امری است در مقابل دشمن جهت حفظ، اعتلاء و گسترش پایگاه اسلام به طوری که نفس را در معرض آن چه برایش دشوار است قرار می‌دهد. با عنایت به آیه ۵۲ فرقان، خداوند در این آیه فرمان می‌دهد که هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت با قرآن و دین حق کنند، سخت جهاد و کارزار کن. مستفاد از این آیه این است که جهاد کبیر علمی یک وظیفه و مسئولیت همگانی است که باید همگان با تمام توان به جهاد تبیین اقدام نموده و حقایق را به گونه‌ای بیان نمایند که دشمن نتواند اختلاف و فتنه‌گری نماید. رهبر انقلاب در این خصوص یکی از انواع جهادها را جهاد فکری دانسته است. ایشان انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر را از قبیل صحنه‌های سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی، ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی را عرصه جهاد می‌دانند و جهاد در صحنه‌های مختلف را وظیفه همه (حسینی خامنه، ۱۳۸۶/۵/۲۸) و ارجحیت جهاد خاص را به حسب زمان متغییر دانسته (حسینی خامنه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳) و سخت‌ترین جهاد را مقابله با هجوم افکار و فرهنگهای غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۷۲/۲/۱۵).

### ۳-۱ وجوب جهاد تبیین

جهاد در فقه امامیه از واجبات دین اسلام دانسته شده است و در حد کفایت واجب است و اگر بعضی انجام دهند از بقیه ساقط خواهد شد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۲/ ۲) و این کفایت بر حسب نیاز، فراوانی مشرکان، ضعف و قوت آنان است (نجفی جوهری، ۱۳۶۲ ش: ۱۰/ ۲۱). طبق آیه قرآن "وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ" قتاده و دیگر مفسران گویند: یعنی خداوند به هر دو گروه - جهاد کنندگان و تخلف کنندگان - وعده بهشت داده است. بنابراین آیه دلالت دارد بر این که جهاد واجب کفایی است؛ زیرا اگر واجب عینی بود، کسانی که بدون عذر، تخلف کرده‌اند، سزاوار

پاداشی نبودند ( شیخ طبرسی، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م: ۳ / ۱۶۷). در روایت آمده است "... وَ كَتَبَ عَلَيَّ الرَّجَالَ جِهَادًا: جهاد بر مردان واجب است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۸۵) و آن را موجب عزت و بزرگی دین شمرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱ / ۲۴۸). کلمه جهاد در روایات مطلق است. با توجه به نامه ۴۷ نهج البلاغه که جهاد به جهاد مالی، جانی و لسانی منقسم شده است، جهاد تبیین از مصادیق جهاد با لسان و منقسم آن محسوب می‌شود. بنابراین جهاد تبیین نیز مانند جهاد جانی واجب خواهد بود. در عصر کنونی جهاد با لسان و تبیین حقایق نیز موجب عزت و سربلندی دین اسلام است و از آن جا که حفظ و عزت اسلام واجب است جهاد تبیین مقدمه این واجب است و از این حیث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، لذا واجب عینی دانسته شده است (عظیمی، مجتبی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۲). البته آیت الله خامنه‌ای موارد جهاد تبیین را نسبت به افراد و موارد، مختلف دانسته‌اند و بر هر فرد مسلمان و انقلابی تبیین و روشنگری را لازم می‌دانند (استفتاء آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱). ایشان به عنوان ولی فقیه، رهبر جامعه مسلمین و مرجع تقلید، جهاد تبیین را بر افراد بر طبق موقعیت و جایگاه آنان واجب دانسته‌اند و از این حیث در وجوب آن شک و شبهه‌ای نمی‌باشد؛ لذا واجبی است قطعی و همچنین عمل به آن در شرایط تهاجم فرهنگی، فوری و در حد توان و قدرت فرد می‌باشد که به صورت تدافعی و تهاجمی باید به انجام رسد.

#### ۱-۴ الزامات جهاد تبیین

رهبر انقلاب بسیاری از حقایق را نیازمند به تبیین می‌دانند تا بر افکار عمومی تأثیر گذار باشد چرا که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایجاد ابهام در افکار و اذهان مردم است (حسینی خامنه، ۷/۵ / ۱۴۰۰). چه بسا که در صورت عدم روایت و تبیین، دشمن به هر روش بخواهد روایت کرده و جای ظالم و مظلوم را عوض خواهد نمود (حسینی خامنه، ۹/ ۱۴۰۰). با تعمق در قرآن کریم دانسته می‌شود که پیامبران با انواع معجزات بصائر خویش؛ یعنی معجزاتی که موجب بصیرت و یقین قلبی می‌شود به هدایت بشر اقدام نموده‌اند به طوری که هیچ‌گونه شبهه و شکی در آن راه نمی‌یابد (قصص، آیه ۴۳)؛ با این همه کسانی که دشمن اسلام و حقیقت می‌باشند، به سبب طغیان و علو و برتری خواهی حاضر نیستند تا به آن یقین بصیرتی خویش عمل نمایند، لذا آن را عالمانه و عامدانه انکار می‌کنند (نمل / ۱۴). در عصر کنونی نیز طغیان و برتری خواهی عامل اصلی پشت پا زدن به حقایق می‌باشد. در این راستا تبیین حقایق، نیازمند الزاماتی است که این مهم به بهترین وجه محقق شود.

با تمسک به قرآن، الزامات آن به اختصار در جدول ذیل تبیین می‌شود:

آیات	الزامات جهاد تبیین
وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن (اسراء/ ۳۶)	علم و آگاهی
لَمْ تَقُولُونَ مَا لَأَ تَفْعَلُونَ، چرا چیزی می گوئید که انجام نمی دهید (صف/ ۲)	عامل بودن به آگاهی ها و دانسته ها
وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا، و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت نمایید (انعام/ ۱۵۲)	عدالت در گفتار
وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا، و سخن (حقّ و) استوار گوئید (احزاب/ ۷۰)	سخن مستدل و محکم
فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّسُورًا، پس با آنان سخنی نرم بگوی (اسراء/ ۲۸)	سخن آسان و قابل فهم
وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی (نساء/ ۶۳)	سخن بلیغ
وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است بگویند (اسراء/ ۵۳)	سخن نیکو
وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا، با آنان به صورتی شایسته و پسندیده سخن گوئید (نساء/ ۵)	سخن معروف
وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا، و با ایشان به اکرام و احترام سخن گو (اسراء/ ۲۳)	سخن کریمانه

با عنایت به آیات مذکور باید گفت جهاد تبیین اقناعی در موقع و با ملاحظه مصلحت است. شهید مطهری (ره) می گوید: ایمان قطع نظر از اینکه آیا از حقوق انسانی است یا خیر زور بردار نیست، ایمان یعنی اعتقاد و گرایش و مجذوب شدن و مجذوب شدن دو رکن دارد، یک رکن آن جنبه علمی که فکر و عقل است و رکن دیگر آن جنبه احساساتی است که هیچکدام در قلمرو زور نیست (مرتضی مطهری، بی تا: ۴۸). اقناع اندیشه در مرحله اول و همسو نمودن احساسات و ایمان افراد چنین اقتضایی دارد، با این منطقی می توان گفت جهاد تبیینی با برداشت خاصی که برخی از جهاد ابتدایی به معنای تهاجم و تحمیل عقیده و تسلط می شود (مرورید، ۱۴۱۰: ۱۲۱/۹) هماهنگ نیست، مضاف بر اینکه قاعده «قیح اغراء به جهل» که ملازمه دارد با «وجوب ارشاد جاهل به عالم»

شامل همه اموری است که مربوط به مصالح مردم است، چه دینی و چه غیر دینی، چه کلی و چه جزئی. دیگر آنکه؛ مفاد این قاعده مخصوص است به مواردی که در اغراء به جهل مصلحت مهم تر و یا در تعلیم مفسده مهم تر نباشد و گرنه اغراء به جهل قبیح و حرام نیست، بلکه ممکن است خوب و واجب باشد. سوم اینکه؛ قاعده اصولی «تأخیر بیان از وقت حاجت قبیح است» در حقیقت از مصادیق قاعده «اغراء به جهل قبیح و حرام است» می باشد، لذا در جهاد تبیین ملاحظه این امور از جایگاه و اهمیّت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که به اغناء مخاطبان منجر شده و ایمان ساز گردد.

جهاد تبیینی، جهادی اقتناعی است بدین معنا که حوزه عقیده و فکر را هدف گرفته است و می خواهد ادراکی تصدیقی را در ذهن مخاطب ایجاد کند به این جهت از نظر عقلی امکان ندارد که چنین چیزی را به اجبار و یا از ترس در درون کسی به وجود آورد. این معنا در نقل هم به روشنی مشاهده می گردد (یونس / ۹۹، بقره / ۲۵۶). بنابراین در فرایند جهاد تبیین به فرموده قرآن مؤلفه‌هایی از قبیل علم و آگاهی، عدالت در گفتار و استحکام در سخن، قابل فهم بودن کلام، بلاغت سخن، معروف بودن مطالب، رعایت کرامت گوینده و شنونده و دیگر موارد باید مورد توجه و امعان نظر مجاهد قرار گیرد تا اهداف -رفتاری- جهاد محقق شود.

#### ۱-۵ موضوعات نیازمند تبیین باتکیه بر بیانات رهبری

آیت الله خامنه‌ای به عنوان احیاء کننده جهاد تبیین، این امر مهم را در موضوعات خاصی مورد اهتمام قرار داده‌اند که با استقراء در بیانات ایشان موارد ذیل استخراج شده است:

-تبیین سبک زندگی اسلامی ایرانی: از آن جا که یکی از مهم ترین اهداف دشمنان اسلام تغییر سبک زندگی مسلمان‌ها می باشد (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) ایشان این مسئله را محتاج به تبیین در اندیشه و عمل می دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

-تبیین مبانی انقلاب اسلامی: رهبر انقلاب لازم می دانند که جایگاه قرار گرفتن مردم، موانع، دشمن و مبانی انقلاب تبیین شود، تا با افزایش بصیرت به کشور آسیبی نرسد (حسینی خامنه، ۱۳۹۱/۹/۲۱)

-تبیین ارزش های اسلام: تعلیم روشن اسلام در موضوعاتی از قبیل حقوق بشر، آزادی و مردم سالاری، حقوق زن (حسینی خامنه، ۱۳۸۲/۱۱/۸) که در جامعه حائز اهمیت بسیار است (حسینی خامنه، ۱۳۷۳/۱۱/۳) نیازمند به تبیین می دانند.



تبیین دستاوردهای انقلاب: ایشان بر این باورند که دستاوردهای انقلاب دستاوردهای عظیم و شگفت آوری است (حسینی خامنه، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹) که باید به گوش مردم برسد (حسینی خامنه، ۱۳۸۴/۱۱/۳۰).

تبیین دشمنی و نفوذ دشمنان ایران: از آن جا که مسئلهٔ نفوذ را بسیار مهم می‌دانند روشنگری را در این زمینه ضروری (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) و مهم‌ترین شیوهٔ دشمن از قبیل جعل و دروغ‌پردازی را نیازمند شناخت دانسته‌اند (حسینی خامنه، ۱۴۰۱/۹/۵) و راه درمان فتنه را روشنگری می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۷۸/۵/۸).

-تبیین فریضه نماز: رهبر انقلاب یکی از اقدامات مهم ائمهٔ محترم جماعات را تبیین مسئلهٔ نماز جهت افزایش منزلت و کیفیت آن دانسته‌اند (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

-تبیین مقاومت در برابر دشمن: ایشان مقابله و مقاومت در برابر دشمن را نیازمند تبلیغ و ترویج می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۴/۸/۱۲).

-تبیین تهاجم فرهنگی: ایشان بر این باورند که دشمن با ابزار زیاد اما بدون ایمان در این برهه از زمان به سنگر مبارزات فرهنگی با نظام جمهوری اسلامی پناه برده است؛ لذا اگر در مقابل این حمله ایستادگی شود دشمن قطعاً ناکام خواهد شد (حسینی خامنه، ۱۳۷۳/۶/۲۱).

تبیین راه امام: ایشان سعادت کشور را در ادامهٔ راه امام می‌دانند و معتقدند آنچه ملت ایران را در مقابل دشمنان نگه می‌دارد و استقلال و آزادی و هویت را حفظ می‌کند، پیروی از خط امام است (حسینی خامنه، ۱۳۸۴/۳/۱۰).

تبیین عملکرد دولت: در این زمینه بر این عقیده‌اند که در رابطه با ایرادات درست توضیح و تبیین لازم است و در کنار آن کاستی‌ها باید برطرف شود (حسینی خامنه، ۱۳۸۶/۴/۹).

تبیین سیره شهدا: در بیان زندگی نامهٔ شهیدان تبیین خصوصیات، سبک زندگی و چگونگی مشی زندگی شهدا را ضروری می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۷/۵).

تبیین مهدویت: مسئلهٔ مهدویت را جزو اصلی‌ترین معارف الهی دانسته و در این زمینه آشنایی، انس و رابطه بیشتر با مقولهٔ مهدویت را برای اسلام و مسلمانان بهتر می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

تبیین حجاب: ایشان با تبلیغات و بدون اجبار حجاب برتر را چادر ایرانی دانسته‌اند. راهکار گسترش آن را فکر، تبلیغات و تبیین دینی حجاب در جامعه می‌دانند (حسینی خامنه، ۱۳۷۷/۱۲/۴).



## ۲- مبانی فقهی جهاد تبیین

با تعمق در ماهیت جهاد تبیین از منظر آیت الله خامنه‌ای و تحلیل آن، مبانی فقهی جهاد تبیین، بر قرآن، سنت و قواعد فقهی مبتنی است.

### ۱- قرآن

#### آیه تبیین

قرآن کریم، جهت ارشاد و هدایت انسان نازل شده است. در آیه ۸۹ سوره نحل متصف به صفت تبیان شده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ». تبیان به معنای بیان است و تبیان برای هر چیزی استعمال می‌شود؛ زیرا کتاب، هدایت عامه است و هر چیزی که مربوط به امر هدایت است مانند معارف حقیقی مربوط به مبداء، معاد، اخلاق فاضله، شرایع الهی، قصص و موعظه‌هایی که مردم در اهداء و راه یافتنشان به آن محتاج هستند را بیان می‌کند (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۱۲/ ۳۲۵-۳۲۴). جهاد تبیین نیز مأخوذ از همین کلمه است. چه بسا که در جهاد تبیین با تلاش و بذل نفس با تمسک به هر ابزاری به روشنگری و هدایت عامه در راه اعتلاء اسلام و جامعه اسلامی اقدام می‌شود.

## آیات دال بر وجوب و فضیلت جهاد

ضرورت و وجوب جهاد تبیین، مبتنی و مستخرج از قرآن کریم است که در ذیل به بیان چندی از آیات پرداخته می‌شود:

- در وجوب جهاد در قرآن کریم آیاتی چند به چشم می‌خورد که در این راستا می‌توان به آیه ذیل اشاره نمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ**: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا به ترسید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب کنید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید. **جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ**: دستور به جهاد می‌دهد که جهاد کنید در راه او با اعدای ظاهر و باطن (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ ق: ۳ / ۵۲۰). جهاد در راه خدای تعالی گاهی به دست و لسان و شمشیر و قول و کتابت می‌باشد (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش: ۳ / ۷۶). بنابراین در این آیه مطلق جهاد مراد است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵ / ۳۲۸)؛ بنابراین جهاد تبیین را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه جهاد تبیین نیز واجب خواهد بود.

- آیه شریفه دیگر: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ... (بقره/۲۱۶)**: جهاد بر شما واجب شده است در حالی که از آن کراهت دارید. این آیه دال بر وجوب جهاد است (قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ۳ / ۳۸)؛ زیرا خداوند می‌فرماید: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ** و این به معنای واجب است بر شما (جصاص، ۱۴۰۵ ق: ۱ / ۴۰۰). جهاد نیز واجب شده است بر تمام مردم (ابن‌عربی، ۱۴۰۸ ق: ۱ / ۱۴۶). جهاد با جان یکی از اقسام جهاد و قسم دیگر آن جهاد با مال و زبان است. علی‌رغم حرمت نفس در نزد شارع مقدس اما جهاد با جان و بذل نفس در مقابله با دشمن خداوند جهت اقامه و حفظ شریعت، واجب شده است. بنابراین به طریق اولی جهاد و بذل مال و زبان در جهت حفظ و اقامه دین خدا واجب خواهد بود.

در فضیلت جهاد آیات چندی به چشم می‌خورد (نساء / ۹۵) و از این جمله است: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا** (عنکبوت / ۶۹)، آن‌ها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد. معنای "جَاهَدُوا فِينَا" این است که جهادشان همواره در راه ما است، و این تعبیر کنایه از این است که: جهادشان در امور است که متعلق به خداوند است، چه جهاد در راه عقیده و چه در راه عمل باشد، (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۱۶ / ۱۵۱). جهاد تبیین نیز جهاد و کوششی است در راه عقیده صحیح و تبیین حق و حقیقت در راه اعتلای اسلام؛ لذا طبق آیه شریفه مورد توصیه و تأکید خداوند متعال است.

آیات مربوطه به وجوب امر به معروف و نهی از منکر

-وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۰۴) از میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند. در این آیه شریفه *يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ*: بخوانند مردمان را به اسلام و *يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ* و بفرمایند به نیکی که خدا و رسول بآن امر کرده و *يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ* و باز دارند مردمان را از فعل ناشایست که حق تعالی و پیغمبر او از آن نهی کرده‌اند (کاشانی، ۱۳: ۲/۲۹۳). این آیه دلالت دارد بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت و جایگاه آن دو از نظر دین، زیرا خداوند رستگاری مسلمانان را به این دو مربوط دانسته است. بیشتر متکلمان این دو را واجب کفایی می‌دانند و بعضی هم واجب عینی شمرده‌اند (شیخ طبرسی، ۱۴۱۵-۱۹۹۵ م: ۲/۳۵۸). طبق آیه شریفه روشنگری و تبیین واقعیت‌های تحریف شده در جامعه اسلامی یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

۲-۲- سنت

و جوب جهاد در روایات

جهاد تبیین یکی از انواع جهاد محسوب می‌شود و در روایات به وجوب جهاد تأکید شده است. امام علی علیه السلام فرمودند: *إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَّمَهُ وَجَعَلَهُ نَصْرَهُ وَنَاصِرَهُ وَاللَّهُ مَاصِلِحَتُ دُنْيَا وَلَا دِينَ إِلَّا بِهِ*؛ در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود. (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۱۵/۱۵) و علت وجوب آن نیز در روایات ذکر شده است. امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: *فَرَضَ اللَّهُ... الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ*: خداوند... جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام واجب فرمود (نهج البلاغه، ۱/۵۱۲).

امام صادق علیه السلام در فضیلت جهاد فرموده‌اند: جهاد و مبارزه پس از فرائض و واجبات با فضیلت‌ترین کارهاست و نیز امام علی علیه السلام جهاد و مبارزه، را دری از درهای بهشت دانسته‌اند که خداوند برای دوستان خاص خود گشوده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴/۵).

همچنین حدیثی از امیر المومنین علیه السلام که امام باقر علیه السلام از ایشان نقل کردند: که خداوند ایمان را بر چهار پایه قرار داده است: صبر، یقین، عدالت، جهاد و در ادامه حدیث برای جهاد چهار شعبه مطرح شده است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال، دشمنی با بدکاران. پس هر که امر به معروف کند، مؤمن را یاری کرده و پشتش را محکم نموده، و هر که نهی از منکر کند، بینی منافق را به خاک مالیده است و از نیرنگش ایمن گشته و هر که همه جا

را ست گوید، وظیفه‌ای که بر او بوده انجام داده و هر که با بدکاران دشمنی کند برای خدا خشم نموده و هر که برای خدا خشم نماید، خدا هم به خاطر او خشم نماید (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۱/۲-۵۰). طبق روایت مذکور، جهاد تبیین، چهار قسم جهاد را پوشش می‌دهد.

و جوب امر به معروف و نهی از منکر

در روایات به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر سفارش شده است. قال النبی (ص): «ان الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لادین له، فقیل: و ما المؤمن الضعیف الذی لادین له؟ قال: الذی لا ینهی عن المنکر: پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: همانا خداوند دشمن دارد آن مؤمنی را که ضعیف و بی‌دین است، سؤال شد: مؤمن ضعیف و بی‌دین کیست؟ حضرت فرمود: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۹/۵) و نیز به تارک این فریضه هشدار داده شده است، الصادقین (علیهما السلام) - وَیَلِّ لِقَوْمٍ کَا یدینونَ اللهُ بِالْأمرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام): وای بر کسانی که اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر ندارند (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۶/ ۱۷۶). در کلام امیر المؤمنین علی علیه السلام امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است. که کاملترین آن با دست و زبان و قلب و نازلترین مراتب آن با قلب محقق می‌شود. در این راستا فرموده‌اند که تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، جز قطره‌ای در مقابل دریای پهناور به شمار نمی‌رود و از همه این‌ها مهم‌تر و برتر، سخن عدل و حرف حقی است که در برابر پیشوای ظالم و ستمگر گفته می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). بنابراین از آن جا که جهاد تبیین تلاش و بذل و شنگرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام است، از تمامی اعمال مطلوب و نیکو در نظر شارع مهمتر و برتر خواهد بود.

فضیلت نصح

جهاد تبیین به منزله نصیحت کردن افراد است و از این لحاظ با بررسی اهمیت خیر خواهی و تبیین وجوب آن در احادیث می‌توان فضیلت و وجوب جهاد تبیین را تخریح نمود. امام جعفر صادق (علیه السلام) در این زمینه فرموده‌اند: یَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ النَّصِیْحَةُ لَهُ فِی الْمَشْهَدِ وَالْمَغِیْبِ: بر مؤمن نصیحت و خیرخواهی برادر مؤمن در حضور و غیاب واجب است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۰/ ۲۰۸). طبق فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام): إِنْ أَعْظَمَ النَّاسُ مَنَزَلَةَ عِنْدَ اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِی أَرْضِهِ بِالنَّصِیْحَةِ لِخَلْقِهِ: با منزلت ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بر دارد.

(کلینی، ۱۴۰۷، ق: ۲/ ۲۰۸) و نیز در روایات امام علی علیه السلام در مورد ترک این عمل فرموده‌اند: لا خیر فی قوم کیسوا بناصِحینَ و لا یحبُّونَ النَّاصِحینَ در مردمی که نه خود نصیحت کننده هستند و نه نصیحت کنندگان را دوست دارند خیری نیست (تمیمی امدی، ۱۴۱۰، ق: ۱/ ۷۹۱). جهاد تبیین و روشنگری در سراسر زندگی پیامبران و معصومین مشهود است در این زمینه حرکت عظیم زینب کبری (سلام الله علیها) و جناب ام کلثوم و حضرت سجّاد (علیه السلام) نمونه بارز آن محسوب می شود چرا که توانست حادثه ُ کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود (حسینی خامنه، ۱۴۰۰/۷/۵). حضرت زهرا سلام الله علیها نیز در شرایط موجود جامعه خود نظیر ماجرای فدک، سقیفه و دیگر حوادث با نصیحت های روشنگرانه خود به تبیین شرایط پرداختند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳ / ۲۵۹) و در این راستا روشنگری نمودند.

### ۳-۲ قواعد فقهی

وجوب و ضرورت جهاد تبیین مبتنی بر قواعد فقهی نیز می باشد که در ذیل به اهم آن اشاره می شود.

#### قاعده ُ وجوب ارشاد جاهل

وجوب جهاد تبیین مبتنی بر قاعده ُ وجوب ارشاد جاهل است. خداوند متعال برای هدایت انسان، ارشاد جاهل، ممانعت از انحرافات و خطاها و رساندن انسان به کمال، رسولان را فرستاد و کتب هدایت را نازل نمود و سپس او صیاء را منصوب کرد و بر امام معصوم (ع) ارشاد جاهل و امر به معروف و نهی از منکر را واجب ساخت (ایروانی، ۲۰۰۷ م: ۲ / ۹). رشد در مقابل ضلال و گمراهی (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ: ۳ / ۱۷۵) و ارشاد به معنای بیان کردن احکام برای شخص جاهل است. بنابر قاعده ُ ارشاد، بر عالم واجب است جاهل را هدایت و در یادگیری مسائل دینی راهنمایی کند طبق آیه نفر خداوند متعال فرموده است: فلو لا نفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقّھوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند، شاید از مخالفت پرهیز کنند (توبه/۱۲۲). می توان از این آیه به این قاعده استناد کرد زیرا این آیه، بر وجوب یادگیری احکام برای ارشاد و انذار افرادی دلالت دارد که عالم نیستند (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق: ۱ / ۳۴). در احکام کلی الهی، در اینکه اطلاع جاهل از آنها واجب است، تردیدی نیست و آیه نفر و روایاتی که در تعلیم و فراگیری آن ذکر شده است بر این دلالت دارد (خوئی، ۱۴۰۲ ق: ۱ / ۲۰۱). وجوب ارشاد جاهل در جهل به حکم است از جهت وجوب تبلیغ در

تکالیف تا تکلیف برای شاهد و غایب مستمر باشد. پس عالم، مبلغی است از سوی خداوند تا حجت را بر جاهل تمام کند تا در جاهل قابلیت اطاعت و معصیت ایجاد گردد (شیخ انصاری، ۱۴۱۱ ق: ۱/ ۴۲). بیشتر فقها ارشاد به موضوع را واجب ندانسته‌اند بلکه برخی از فقیهان در صورت اذیت شدن جاهل بر اثر اعلام یا افتادن در عسر و حرج، حرام دانسته‌اند. البته امور مهمی مانند جان، آبرو، ناموس مؤمنان و نیز اموال قابل اعتنای آنان، به تصریح برخی، از حکم فوق مستثنا است، و ارشاد جاهل در این موارد واجب است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ ه.ق: ۱/ ۳۵۷). لازم به یادآوری است ترک وظیفه نسبت به مقتضای قاعده ارشاد جاهل به عالم نوعی «اغراء به جهل و به نادانی کشاندن فرد» است (مانده/ ۱۴، احزاب/ ۶۰) که حرمت داشته و حرمتش بدیهی و بی‌نیاز از آوردن دلیل است؛ زیرا وجدان روشن و فطرت پاک و هیچ خردمندی آن را رد نمی‌کند. قرآن کریم (نحل/ ۲۵) می‌فرماید: «هر کسی که دیگری را به جهل و گمراهی اغراء می‌کند یعنی می‌افکند یا می‌کشاند عقوبت شدیدی دارد».

به هر روی اگر ارشاد جاهل بر عالم و نیز سؤال «جاهل از عالم» واجب است روشن می‌باشد که هر کدام از این دو واجب، تا چه رسد به هر دو واجب، دلیل بر این است که «اغراء به جهل یعنی به راه نادانی کشاندن یا بردن» به طریق اولی حرام است. در قرآن در مورد کتمان آیاتی آمده است از جمله: "الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا: کسانی که [از انفاق اموالشان در راه خدا] بخل می‌ورزند، و مردم را به بخل فرمان می‌دهند، و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده پنهان می‌کنند، [کافران] و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم" (نساء / ۳۷). منظور از مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ غنی و علم است. و آنچه را که خداوند از فضل و مال و دانش خود به آنها داده در جایی که باید آشکار شود پنهان می‌دارند (فیض کاشانی، ۱/ ۱۴۱۵: ۴۵۰). این آیه دلالت می‌کند: چیزی را که خداوند برای مردم نازل کرده است (بعد از بیان اسباب هدایت) اگر کسی آن را کتمان کند خداوند و همه لعن‌کنندگان بر او لعنت می‌فرستند، پس کتمان حرام است چون لعن ظهور در حرمت دارد و لازمه حرمت کتمان، وجوب اظهار است. یعنی لازم است که آن را بیان کنند و اگر بیان کردن لازم باشد حتماً قبول کردن آن هم واجب است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵ ش: ۴ / ۲۹۲).

جهاد تبیین تلاش در جهت اظهار حقایق و اضمحلال باطل البته کوشش در جهت ارشاد جاهل به عالم و جلوگیری از اغراء مخاطبین به جهل است، چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: «در کتاب علی (ع) خواندم خدا از جاهل‌ها پیمان بر طلب علم نگرفته مگر اینکه پیش از آن از عالم‌ها پیمان

گرفته که به جاهل‌ها علم بیاموزند زیرا علم پیش از جهل است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ص ۴۱ / شهید ثانی، ۱۴۰۰: ۱۸۵). این سخن اولاً دلالت می‌کند -ولو به طور ضمنی- بر اینکه باقی بودن بر جهل حرام است تا چه رسد به «اغراء به جهل» یعنی باقی نگه داشتن بر جهل و برتر از آن ایجاد جهل و ثانیاً دلالت می‌کند بر اینکه «تعلیم و تعلم» یعنی آموزش دادن و آموزش گرفتن واجب است و این معنا به خوبی بیانگر اهمیت و وجود جهاد تبیین از ناحیه آگاهان به امور است. در جهاد تبیین نیز بر حسب جایگاه افراد و موقعیت و مناسبت‌ها، ارشاد و راهنمایی جاهل در حکم الهی و یا موضوعات مهمی مانند جان، آبرو، ناموس و اموال مؤمنان، محقق می‌شود. لذا از آن جا که ارشاد جاهل واجب است جهاد تبیین نیز که منجر به روشنگری و ارشاد جاهل می‌شود واجب خواهد بود.

#### قاعدهٔ حفظ نظام و حرمت اخلال نظام

حفظ نظام از قواعد عقلی و ضروری است و جلوگیری از ایجاد خلل در نظام زندگی مسلمان و لازم بودن حفظ نظام از ضروریات فقه است. بعضی از فقهاء واجبات را به نظامی و غیر نظامی تقسیم کرده‌اند. واجبات نظامی آن دسته از اموری هستند که وجود آن‌ها به جهت حفظ نظام بندگان است و واجبات غیر نظامی هر امری که وجود آن به جهت غرضی است که به اشخاص بر می‌گردد بدون جهت حفظ نظام (املی، تقریر نائینی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱/ ۴۲). امام خمینی، جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظام را یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت می‌داند و ماندگاری احکام الهی اقتضای وجود حکومتی را می‌کند که نگهدار سیادت قانون الهی و عهده دار اجرای آن باشد (خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۲/ ۶۱۹). احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. در آیه شریفه: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَقْبَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِيبَاتِ الْخَيْلِ» امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش شده است (خمینی، ۱۴۲۳ ق: ۱/ ۳۳). امام خمینی دفاع را بر دو قسم دفاع از کیان اسلام و دفاع از شخص منقسم نموده است و دفاع از بیضه اسلام را مشروط به حضور امام یا حتی اجازه امام یا نائب خاص یا عام امام نکرده است (امام خمینی، ۱۴۰۳: ۱/ ۱۱۵). بنابراین "حفظ نظام" واجب و یکی از فرائض اسلامی بسیار مهم است. آماده سازی و فراهم آوردن مقدمات آن نیز واجب است. پروا ضح است که مراقبت دشمنان و تجسس درباره برنامه‌های آنان از جمله مقدمات مهم "حفظ نظام مسلمان" به شمار می‌رود (منتظری، ۱۳۶۷ ش: ۴/ ۳۰۵). یکی از آیاتی که بر این قاعده دلالت دارد آیه‌ای است که



از طریق پیروی از صراط مستقیم دعوت به وحدت می‌کند: "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ: و [شما ای اهل ایمان!] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است" (آل عمران / ۱۰۵)؛ بعید نیست که جمله "مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ" متعلق باشد فقط به جمله: "و اختلفوا" و در این صورت مراد از اختلاف، تفرق از حیث اعتقاد و مراد از تفرق، اختلاف از نظر بدنها است. و اگر تفرق را جلوتر از اختلاف آورد، برای این بود که تفرقه و جدایی بدنها از هم، مقدمه جدایی عقاید است (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۳۷۳-۳۷۴).

-روایات مربوط به امامت و حفظ نظام: "رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْمَعُوا وَاطِيعُوا لِمَنْ وَاوَاهُ اللهُ الْأُمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: "از کسی که خداوند او را ولی امر شما کرده است، شنوایی و اطاعت داشته باشید که او رشته کار اسلام است" (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۴). حفظ نظام از اوجب واجبات است حفظ نظام، یعنی حفظ همه ارزشهایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آنها می‌داند؛ مثل عدالت، پیشرفت و معنویت (حسینی خامنه، ۱۳۹۵/۴/۱۲). البته باید متذکر شد که پس از اثبات اصل قضیه -یعنی قاعده و جوب حفظ نظام- که جنبه ایجابی دارد، عکس آن یعنی حرمت اخلال نظام که جنبه سلبی دارد نیز بالملازمه اثبات می‌شود که منظور از آن اقدام به هر فعل، ترک فعل یا قولی است که در نظام اخلال وارد کرده و ایجاد بی نظمی و هرج و مرج و آشفتگی کند و در نتیجه انسان را از رسیدن به هدف خود یعنی کمال و سعادت بازدارد. از آنجا که حفظ بیضه اسلام از مهمترین واجبات شمرده شده است (نائینی، ۱۴۲۴ ق: ۱/ ۳۹-۴۰) اگر نظام اسلامی تشخیص دهد که عملی شرعاً نهی صریح ندارد، اما می‌توان با توجه به مصالح موجود در جامعه، آن را تحت پوشش یکی از اعمال منهی قرار داد (محقق داماد، ۱۴۰۶ ه ق: ۴/ ۲۴۶). بنابراین از آن جایی که حفظ نظام اسلامی از هر حیث واجب است؛ بنابراین جهاد تبیین که باعث تحقق این امر می‌شود، واجب خواهد بود. در نتیجه افراد جامعه اسلامی موظفند به مقتضای قاعده و جوب حفظ نظام و حرمت اخلال در آن اقدام به جهاد تبیین نمایند تا با تنویر و روشنگری حقایق و تثبیت آن از اخلال در نظام ممانعت به عمل آورده و در جهت حفظ نظام گام موثری بردارند.

قاعدهٔ مصلحت اسلامی

اصلاح به معنای بهبود بخشیدن، مخالف تباه کردن و مصلحت به معنای شایستگی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه: ۲/ ۵۱۷). در اصطلاح منظور از مصلحت دفع ضرر یا جلب منفعت برای دین و دنیا است (قمی، ۱۴۳۰ ق: ۳/ ۲۰۸). این عنوان ثانوی بیشتر در مواردی به کار می‌رود که رعایت آنها به نفع و صلاح جامعه است و رعایت نکردن آنها موجب اختلال و فساد در جامعه نمی‌شود. البته در پاره‌ای موارد «مصلحت نظام» بر اموری نیز اطلاق می‌شود که عدم رعایت آنها موجب اختلاف و فساد جامعه گردد، که در این بخش از مصادیق با عنوان «حفظ نظام» مشترک است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ ش: ۱/ ۲۸۵). مصلحت نظام بندگان مهم تر است نزد شارع از هر چیزی (خوئی، ۱۴۲۸ ه: ۲/ ۲۰۴). از اخبار و کلام اصحاب، بلکه ظاهر قرآن (نساء، ۲۹) این معنی استفاده می‌شود که تمام معاملات و غیر معاملات، برای مصالح و منافع دنیوی و اخروی مردم، یعنی آنچه به نظر عرف مصلحت و سود نامیده می‌شود، تشریح شده‌اند (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ش: ۲۲/ ۳۴۴). توجه به این حکم و قاعده عقلی ضرورت رعایت مصلحت جامعه اسلامی، مسلمان در مقابل تحریف و یا عملکردی که با مصلحت جامعه در تعارض است، مسئولیت دارد (حسینی خامنه، ۱۳۹۹/۳). بنابراین با استناد به وجوب مصلحت نظام، جهاد تبیین که در جهت روشنگری و مطابق مصلحت نظام است نیز واجب می‌شود و در این برهه از زمان بر حسب قاعده مصلحت و وجوب آن عینی است.

وجوب تعاون و همکاری بر کار خیر و حرمت اعانه بر اثم و عدوان

عقل به قبح اعانت بر اثم، که سبب خشم مولی می‌شود، حکم کرده است، همان طور که ارتکاب آن نیز عقلاً قبیح است. همچنین عقل تهیه مقدمات و اسباب فعل حرام و اعانت بر فعل را قبیح و مستحق عقاب دانسته است (بجنوردی، ۱۴۰۱ ه ق: ۲/ ۲۳۶). در قول خداوند تعالی: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ لَوْ كَانُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده، ۲) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. تعاون بر بر مأمور به می‌باشد (سبزواری، ۱۴۲۳ ه: ۲/ ۵۲۲) این آیه اساس سنت اسلامی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ۵/ ۱۶۳). اعانه در جایی صادق است که یا قصد باشد یا اینکه عرفاً عنوان اعانه صدق کند مثل جایی که ظالمی از شخصی چوب می‌خواهد تا دیگری را بزند و او آن را به او می‌دهد (محقق اردبیلی، بی تا: ۱/ ۲۹۷-۲۹۸). آنچه که در آیه مزبور در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک، تعاون کنند اما در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم مطلقاً همکاری ممنوع است

(بجنوردی، ۱۴۰۱ ه ق: ۲/ ۲۳۴). وجه غالب زندگی در نظام اسلامی باید تعاطف و تعاون باشد؛ در آیات کریمه قرآن هم این مسأله مورد اهمیت است (حسینی خامنه، ۱۳۷۷/۱/۲۷). با عنایت به وجوب تعاون بر کار خیر لازم می‌آید جهاد تبیین که مصادیقی از تعاون محسوب می‌شود واجب باشد.

#### قاعده دعوت

دعوت به معنای درخواست مسلمانان از افراد غیر مسلمان برای پذیرش اسلام است که دو دیدگاه در باب قلمرو آن مطرح است؛ یکی آنکه وظیفه مسلمانان شناساندن حقیقت دین به غیر مسلمانان است و دیگر آنکه علاوه بر امر نخست درخواست از آنان برای پذیرش دین اسلام و جذب آنها به هر نحوی که ممکن باشد (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۰۲). دعوت شیوه‌هایی دارد که قاعده مزبور تمامی آنها را شامل می‌شود و بطور کلی به دو نوع زبانی و عملی تقسیم می‌گردد. دعوت زبانی اعم است از دعوت با سخنان حکیمانه و همراه با منطق، موعظه و نصیحت و جدال نیک و دعوت عملی عبارت است از دعوت افراد با رفتار مناسب و شایسته. قاعده دعوت بر مسئله جهاد - قتال - که مهم‌ترین فروع دین اسلام است حاکم می‌باشد و گستره آن اقتضا دارد که جهاد تبیین و دعوت و گفتمان نیکو از مصادیق آن محسوب گردیده و راهی مؤثر بر اظهار حقانیت مدعا باشد.

#### نتایج

جهاد تبیین یکی از انواع جهاد محسوب می‌شود. آیت الله خامنه‌ای در جایگاه فقاوت و رهبری در عصر کنونی احیاء کننده مفهوم جهاد تبیین بوده است. از منظر ایشان جهاد تبیین بر تلاش و بذل و شکرانه در برابر خصم، در راه اعتلاء و برپایی دین اسلام اطلاق می‌شود. جهاد تبیین از آن جا که در عصر کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است واجب عینی دانسته شده است. البته موارد جهاد تبیین، نسبت به افراد و موارد، مختلف است و بر هر فرد مسلمان و انقلابی تبیین و روشنگری لازم شده است. لازم به ذکر است این فریضه، قطعی و فوری و در حد توان و قدرت فرد لازم می‌شود که به صورت تدافعی و تهاجمی به انجام می‌رسد. الزامات آن عبارت است از علم و آگاهی، عامل بودن به آگاهی‌ها و دانسته‌ها، عدالت در گفتار، سخن مستدل، محکم، آسان و قابل فهم، بلیغ، نیکو، معروف و کریمانه. طبق دیدگاه آیت الله خامنه‌ای تبیین سبک زندگی اسلامی ایرانی، مبانی انقلاب اسلامی، ارزش‌های اسلام، دست آوردهای انقلاب، دشمنی و نفوذ دشمنان ایران، فریضه نماز، تهاجم فرهنگی، سیره شهدا، مهدویت، راه امام راحل، مقاومت در برابر دشمن و حجاب از موضوعاتی به حساب می‌آیند که امروزه نیازمند جهاد تبیین است. وجوب جهاد تبیین

مبتنی بر کتاب، سنت و عقل از جمله قاعده فقهی و جواب ارشاد جاهل، و جواب حفظ نظام و حرمت اخلال به آن، مصلحت نظام، تعاون بر بر و تقوی و دعوت است.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن الأثیر، مجد الدین أبو السعادات المبارک بن محمد (۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م). النهایة فی غریب الحدیث والأثر، بیروت: المكتبة العلمیة
۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸). احکام القرآن، بیروت: دار الجیل، (چاپ اول).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر، (چاپ سوم).
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، (چاپ اول).
۵. آرایبی، وحید، (۱۴۰۱). حکمرانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران الهام بخش بیداری اسلامی، مطالعات بیداری اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴، پیاپی ۲۶، ۱۲۷-۱۴۴
۶. آملی، محمد تقی (۱۴۱۳). المكاسب و البیع، تقریر: نایینی، محمدحسین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين
۷. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۱). المكاسب، قم: دار الذخائر، (چاپ اول).
۸. ایروانی، باقر (۱۳۸۶). الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثانی، تهران: قلم، (چاپ اول).
۹. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱). قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج، (چاپ سوم).
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی، (چاپ دوم).
۱۱. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). احکام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (چاپ اول).
۱۲. جوهری، أبو نصر! سماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، (چاپ چهارم).
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). تفصیل و سائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث

۱۴. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۲/۲/۱۵). بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از کارگران

و معلمان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2666>

۱۵. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۳/۶/۲۱). بیانات در آغاز بکار دهمین گردهمایی سراسری ائمه

جمعه

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=17358&nt=2&year=1373&tid=1010>

۱۶. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۳/۱۱/۳). دیدار جمعی از هنرمندان و دست‌اندرکاران امور

فرهنگی و هنری

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=29948>

۱۷. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۵/۳/۲۰). بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله

(ص)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4790>

۱۸. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۷/۱/۲۷). بیانات در دیدار کارگزاران نظام

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2882>

۱۹. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۷/۱۲/۴). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و

سردبیران نشریات دانشجویی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571>

۲۰. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۷۸/۵/۸). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2962>

۲۱. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۲/۱۱/۸). پیام به کنگره عظیم حج

<https://www.leader.ir/fa/content/pdf/2539>

۲۲. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۴/۳/۱۰). بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد

ارتحال امام خمینی (ره)

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3294&nt=2&year=1384&tid=1422>

۲۳. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۴/۱۱/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از مخترعان جوان

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3276&nt=2&year=1384&tid=5085>

۲۴. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۶/۴/۹). بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی

کشور

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3389>

۲۵. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۸۶/۵/۲۸). بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین

مجمع جهانی اهل بیت (ع)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3397>

۲۶. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۰/۴/۱۸). بیانات در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی

مهدویت

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12889>

۲۷. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۱/۹/۲۱). بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی

اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>

۲۸. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۳/۴/۱۱). بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26859>

۲۹. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۴/۸/۱۲). بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17819>

۳۰. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۴/۱۰/۱۴). بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50689>

۳۱. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۲/۲۹). بیانات رهبری در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت

کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33125>

۳۲. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۴/۱۲). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33694>

۳۳. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۵/۳۱). بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34109>

۳۴. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۵/۷/۵). بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره

شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34514>

۳۵. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۸/۱۰/۲۳). بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای

روحانی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50291>

۳۶. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۹/۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد

رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45814>

۳۷. حسینی خامنه، سید علی (۱۳۹۹/۱۱/۲۹). بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47366>

۳۸. حسینی خامنه، سید علی (۱۴۰۰/۷/۵). بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48746>

۳۹. حسینی خامنه، سید علی (۱۴۰۰/۹/۲۱). بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49192>

۴۰. حسینی خامنه، سید علی (۱۴۰۱/۹/۵). بیانات در دیدار بسیجیان

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51418>

۴۱. حیائی، طاهره، حیائی، محمد حسین (۱۴۰۱). گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام

خامنه‌ای، معرفت سیاسی، شماره ۲۷، ۷-۲۰.

۴۲. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ

اول).

۴۳. خمینی، روح‌الله، (۱۴۰۳). تحریر الوسیله، تهران: مکتبه اعتماد، (بی‌چا).

44. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۳). ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

۴۵. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۲). مصباح الفقاهه، قم: منشورات مکتبه‌الداوری، (چاپ اول).

۴۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۸). غایه‌المأمول، قم: المجمع‌الفکر الاسلامی، (چاپ اول).

۴۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر

الکتاب، (چاپ دوم).

۴۸. رحمانی تیرکلایی، حسین، (۱۴۰۱). بررسی تأثیرات بینشی و انگیزشی قدرت نرم دشمن بر

بیداری اسلامی از نگاه خطبه‌های ۱۶ و ۲۲ و ۹۳ نهج‌البلاغه، مطالعات بیداری اسلامی، سال ۱۱،

شماره ۴، پیاپی ۲۶، ۷-۲۹

۴۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، (چاپ اول).
۵۰. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳). کفایة الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (چاپ اول).
۵۱. شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، (چاپ اول).
۵۲. شریعتی روح‌الله (۱۳۹۳). قواعد فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، (بی‌چاپ).
۵۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی‌العاملی (۱۴۰۰ ه.ق). منیه المرید، قم: انتشارات صادقی، (بی‌چاپ).
۵۴. شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی (۱۴۱۹). حاشیه محیی‌الدین شیخ‌زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (چاپ اول).
۵۵. شیخ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (چاپ اول).
۵۶. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی.
۵۷. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المکتبه المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، (چاپ سوم).
۵۸. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ، تهران: دار الکتب العلمیة، (چاپ چهارم).
۵۹. شیخ کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، (چاپ چهارم).
۶۰. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الأملی، قم: کنگره شیخ مفید، (چاپ اول).
۶۱. صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰). جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، (چاپ اول).
۶۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، (چاپ دوم).
۶۳. عظیمی، مجتبی (۱۴۰۰/۱۱/۲۲). جهاد تبیین.



۶۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵ ش). ایضاح الکفایه، قم: نوح، (چاپ پنجم).
۶۵. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تهران: کتبه ُ صدر
۶۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، (چاپ اول).
۶۷. قمی، میرزا أبو القاسم (۱۴۳۰). القوانین المحکمه فی الأصول، قم: احیاء الکتب الاسلامیه، (چاپ اول).
۶۸. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۳۶ ه.ش). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ۱۰ جلد، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (چاپ اول).
۶۹. کریمی، محمود، بخشی، محمد رضا (۱۳۹۹). مفهوم شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه های آن، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره شانزدهم، ۱۸۷-۲۰۶
۷۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (چاپ دوم).
۷۱. محقق مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبده البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، (چاپ اول).
۷۲. مروارید علی اصغر (۱۴۱۰ ه.ق). سلسله الینایع الفقهیة، بیروت: دار التراث الاسلامیه، (بی جا).
۷۳. مصباح یزدی، آیت الله محمد تقی (۱۳۹۲). بهترین ها و بدترین ها از دیدگاه نهج البلاغه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، (چاپ پنجم).
۷۴. مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱). القواعد الفقهیة ۱، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، (چاپ چهارم).
۷۵. مطهری مرتضی (بی تا). رساله جهاد، تهران: انتشارات صدرا
۷۶. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، قم: مؤسسه کیهان
۷۷. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۲۴). تنبیه الأمة و تنزیه الملة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۷۸. نجفی جواهری، شیخ محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (چاپ هفتم).

۷۹. نجم آبادی، زهرا السادات (۱۴۰۱). مقاله الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت، مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ۱۰۳-۱۲۸.

۸۰. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، (چاپ اول).

۸۱. یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، (چاپ دوازدهم).